

گفت و گو با شاعران فاطمی

# زیر سایه حضرت زهرا (س)

سمیه ملاتبار  
نویسنده

این اشعار طی سال‌های متعددی توسط مداحان و حتی خوانندگان مختلف هم خوانده شده‌اند و مردم با آنها خاطره‌ها دارند اما با وجود این همه تکرار و انس، عمده ما، شاعران این شعرها را نمی‌شناسیم، گرچه شاید پس از شنیدن اسم شاعر، با خود بگوییم: عجب، این شعر برای ایشان بود، نمی‌دانستیم؟ «گرنگاهی به ما کند زهرا، دردها را دوا کند زهرا، نه عجب گریه شأن او گویند، خاک را کیمیا کند زهرا»، را سیدرضا مؤید سروده است. یا غلامرضا رستگار در جایی دیگر گفته «الای چاه، یارم را گرفتند، گلم، عشقم، بهارم را گرفتند، میان کوچه‌ها با ضرب سیلی، همه دار و ندارم را گرفتند...» در این گزارش کوتاه، ضمن مرور برخی از این ابیات آشنا و خاطره‌انگیز فاطمی، می‌خواهیم با متن اصلی و صحیح یکسری از این ابیات و شاعر آنها آشنا شویم.

در این روزهای نزدیک به شهادت حضرت زهرا (س)، زمزمه کردن یک بیت یا یک مصرع از شعری خوب، می‌تواند در گیرودار مشغله‌های روزمره و لذت بردن هنری بهانه‌ای برای توسل و عرض ارادت به آن بانوی مطهر باشد. «سرمايه محبت زهراست دین من، من دین خویش را به دو دنیا نمی‌دهم، گرمهر و ماه را به دو دستم دهد قضا، یک ذره از محبت زهرا نمی‌دهم.» این بیت‌ها را سیدرضا مؤید گفته بود؛ یا «الهی بشکند دست مغیره، که در این آستان بی‌مادرم کرد»، شعر معروفی از غلامرضا سازگار است. شاید این بیت‌ها را شما هم روی کتیبه‌ها خوانده بودید. فاطمیه هر سال، اشعار و ابیاتی را می‌شنویم یا بر کتیبه‌ها می‌بینیم که در یک فرایند مردمی خاصی سرزبان‌ها افتاده‌اند و تبدیل به زمزمه‌های عمومی همه گیر شده‌اند.

## حسینی زرفا:

بانوی شب‌های روشن، فانوسی فریاد در باد

تک یادگار رسالت در رجعت کفر و بیداد

تنها تو بودی و تنها، در فحط مردی و رادی

مرد تو، افسوس، در بند، رخاله‌ها، آه، آزاد

تنها تو معجز نهادی، طوفان شدی ایستادی

شاید که احیا کنی باز، آن عهد‌ها، رفته از یاد.

شهر پیمبر چه خاموش! محراب و منبر، فراموش

تنها تو بودی و تنها، از مأذن عدل، فریاد...

## سید محمد جواد شرافت:

هرچه تکرار شود نام تو، تکراری نیست

ما و شیرینی این شور سراپا تازه

و جهان داغ تو را تازه نگه داشته است

نه، نگه داشته داغ تو جهان را تازه

فاطمه نانی‌زاد شاعر دیگری می‌گوید حضرت زهرا (س) بانویی هستند که خود اهل بیت روی ایشان حساس هستند، ما اجازه نداریم که مصیبتی که بر ایشان وارد شده را خیلی روشن و واضح بخواهیم به آن بپردازیم و باید در شعر فاطمی سعی کنیم تا زمانی که شعر خوبی نتوانستیم ارائه بدهیم منتشر نکنیم، متأسفانه بعضی شعرها به ساحت شعر فاطمیه لطمه می‌زنند.

هر چند خانه، از همه خانه‌ها سراسر است

این آشیانه مسلخ سرخ کبوتر است

از انتشار عطر تو در پر کشیدنت

آغوش خانه تا به قیامت معطر است

هر قدر خواستم که صبوری کنم، نشد

مادر، عجب ماتم تو گریه‌آور است

از آن زمان که ابر شدی بین کوچه‌ها

باران گرفته صورت دیوارها تر است

بعد از تو هر چه لاله در این دشت داغدار

بعد از تو چه یاس در این باغ پیر است

است که چند شب پیش با دوستانم راجع به حضرت زهرا (س) صحبت می‌کردم؛ بعضی از صحبت‌های حضرت زهرا (س) خیلی قابل تأمل است. حضرت زهرا در لحظات آخر به امیرالمؤمنین می‌فرمایند: که سلام من را به فرزندانم برسان. به نظرم این جمله خیلی قابل فکر و تأمل است. چرا به امیرالمؤمنین فرمودند؛ و چه رازی در این رساندن سلام نهفته است؟ منظورشان از فرزندان چه کسانی هستند؟ می‌خواهم بگویم وقتی موضوع شاعرانه باشد به وجد می‌آییم.

زنی از خاک، از خورشید، از دریا، قدیمی تر

زنی از هاجرو آسیه و حوا قدیمی تر

زنی از خویشتن حتی، از اعیان، قدیمی تر

زنی از نیت پیدایش دنیا، قدیمی تر

چه بنویسم از آن بی ابتدا، بی انتها، زهرا

ازل زهرا، ابد زهرا، قدر زهرا، قضا زهرا

شگفتا فاطمه! ای للعجب! و احیرتا! زهرا

چه می‌فهمم من از زهرا و ما! دراک ما زهرا

## دیدم علی سراسر و تو از علی سری

گفت آرام باش، چیزی نیست، به گمانم فقط کمی کمرم، دست من را بگیر، گریه نکن، مرد گریه نمی‌کند پسرم. این بیت‌های حمیدرضا برقی هم شاید برای خیلی‌ها آشنا باشد. حمیدرضا برقی می‌گوید شعر گفتن برای حضرت زهرا (س) را طور دیگری دوست دارم. شخصیت حضرت زهرا به خودی خود شعراست و شاعرانه، به دوستان شاعر توصیه می‌کنم که از این موضوع شاعرانه غافل نشوند. واقعاً زندگی ایشان تمام نشدنی است. شما از ولادت و شهادت حضرت زهرا را ببینید که ۱۸ سال بیشتر نیست، ولی از تمام این سال‌ها داستان داریم. همین الان بخواهیم آنچه در مورد حضرت زهرا (س) شنیده‌ام را تیتروار بنویسیم شاید از یک مجموعه بیشتر باشد. هر طور و به هر داستانشان که نگاه می‌کنم، شاعرانه است. پیراهن بخشیدن در شب عروسی شاعرانه است. روگرفتن از ناپینا شاعرانه است. خطبه فدیه که ایشان و جمالتشان شاعرانه است. جالب

تا سه دهه قبل، شعرهایی برای حضرت زهرا (س) به ندرت پیدای می‌شد اما الان می‌شود گفت که شعر فاطمی از شعر عاشقانه هم پیشی گرفته و جلوتر است. حرف شاعران فاطمی این روزها شنیدنی است. برای هیأت‌های کوچک ما حرف‌های بزرگی برای گفتن دارند؛ چون همه اشعاری که در این وادی سرآییده می‌شود عنایت است. غلامرضا رستگار در خاطره‌ای نقل می‌کردند شعری برای حضرت زهرا (س) سروده بودند که کسی از آن خبر نداشت. یکی از شاگردان حاج رجبعلی خیاط به ایشان نامه‌ای داد که برگه آن را هم هنوز نگه داشته‌اند. شیخ در خواب به ایشان گفته بود به سازگار بگویید باین شعری که گفتی در عالم برزخ هم قیامت به پا کردی، شعر این است:

تو کیستی، تمام بهشت پیمبری

نه از بهشت هم به مشامش نکوتری

گفتم تو مادر حسینی، ولی درست دیدم

همه پیامبران را تو مادری

گفتم شبی مقایسه‌ات با علی کنم